

یادداشت

رولت روسی در خاور دور

علی وداع؛ روسیه متأثر از وضعیت ملتهب گسل‌های ژئوپلیتیکی و وضعیت جنگ اوکراین مشغول بی‌سابقه‌ترین رایزنی‌های استراتژیک در خاور دور است. رفقای دوران جنگ سرد بیش از هر زمان دیگری مبتنی بر منافع و تهدیدهای مشترک به سمت یکدیگر گرایش پیدا کرده‌اند. «آنتونی بلینکن»، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، در «فان‌افزو» هشدار داده بود «اتلاف کشورهای ساختارشکن» برای منافع غرب تهدیدهای راهبردی محسوب می‌شوند. آنچه مشخصا پس از جنگ اوکراین در وزن‌کشی معادلات روابط بین‌الملل مشاهده می‌کنیم، وضعیتی خلق‌الساعه نیست. آمریکایی‌ها پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی گمان می‌کردند که جهان تک‌قطبی دهه ۹۰ حاکم خواهد ماند، از سال ۲۰۰۰ این فرضیه با چالش مواجه شد تا از حوالی ۲۰۱۰ بازنویسی دکتترین جنگ سرد مبتنی بر منافع در دستورکار شرکای شرقی قرار بگیرد. وزیر امور خارجه روسیه در خاور دور به گستره شرق آسیا مشغول چانه‌زنی‌های ویژه است.

اهرم فشار سخت در پیونگ‌یانگ

تراکشی‌های روسیه و کره شمالی یادآور روزهای داغ جنگ سرد است. مسکو و پیونگ‌یانگ بنا بر نیازهای طرفین و متأثر از حافظه تاریخی به سمت بی‌سابقه‌ترین همکاری‌های استراتژیک حرکت می‌کنند. اتحادیه جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۸ اولین کشوری بود که حاکمیت کره شمالی را به رسمیت شناخت. شوروی در جنگ دو کره، با همه قدرت در کنار پیونگ‌یانگ ایستاد و حالا تاریخ در حال تکرار است. کره شمالی و روسیه متعهد شده‌اند که در دفاع از تمامیت ارضی یکدیگر مقابل هرگونه تهاجم حمایت کنند. ادبیات و موقعیت زمانی سفر «سنگی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه، به شهر «وونسان» دارای اهمیت راهبردی است. لاوروف روز پنجشنبه با «مارکو روبریو»، وزیر امور خارجه آمریکا، در مالزی دیدار کرد و پس از آن روبریو گفت که او «نامیدی و سرخوردگی» رئیس‌جمهور ی آمریکا را با هم‌تایان روس خود در میان گذاشته است. «دونالد ترامپ» گمان می‌کرد خیلی سریع به آتش‌بس در اوکراین دست خواهد یافت، اما واشنگتن نهنتا دستورادی کسب نکرده، بلکه دامنه جنگ گسترده‌تر شده است. خبرگزاری KCNA کره شمالی تلاش کرد نشست دیپلمات‌های ارشد را به عنوان «گفت‌وگوی استراتژیک» جلوه دهد، پس از آن چونه و لاوروف «طرح تبادل ۲۰۲۶-۲۰۲۷» را امضا کردند؛ اگرچه رسانه‌های دولتی از بیان محتوای این طرح خودداری کردند. رسانه‌های وابسته به دولت روسیه به نقل از لاوروف اعلام کردند «دوستان کراهی ما» بار دیگر حمایت خود را از «تمام اهداف» روسیه در جنگ علیه اوکراین تأیید کرده‌اند. به گفته رسانه‌های روسیه و کره شمالی، روسیه و کره شمالی سال گذشته یک پیمان دفاعی مشترک امضا کردند. براساس برآوردهای پنتاگون، کره شمالی سال گذشته حداقل ۱۰ هزار نیرو برای کمک به روسیه در جنگ علیه اوکراین به این کشور اعزام کرد. وزارت امور خارجه ایالات متحده سال گذشته اعلام کرد کره شمالی سلاح -از جمله موشک‌های بالستیک و مهمات- را برای استفاده در جنگ علیه اوکراین به روسیه ارسال کرده است.

پکن: رفیق روزهای سخت

لاوروف از پیونگ‌یانگ راهی پکن شده است تا در نشست وزرای امور خارجه سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) شرکت کند. گفته شده وزرای امور خارجه چین وروسیه مذاکرات مفصلی درباره جنگ اوکراین، کره شمالی و ایران داشتند. وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد: «اهمیت تقویت هماهنگی نزدیک بین دو کشور در عرصه بین‌المللی، از جمله در سازمان ملل و شورای امنیت آن، سازمان همکاری شانگهای، بریکس، گروه ۲۰ و اپک مورد تأکید قرار گرفت». چین و روسیه در فوریه ۲۰۲۲، زمانی که پوتین از پکن بازدید کرد، چند روز قبل از اعزام ده‌ها هزار سرباز به اوکراین، شراکت «بدون محدودیت» را اعلام کردند. پوتین چین را به عنوان یک «متحد» توصیف می‌کند. در طول جنگ اوکراین تراکشی‌های سری بین طرفین در جریان بوده است، اما رسما همکاری‌ها تکتمان شده است. نباید نادیده گرفت که روسیه و چین رقابت در عین رفاقت را همچنان در نگاه به یکدیگر حفظ کرده‌اند. منافع چین وروسیه کاملا همسو نیست. درحالی‌که پکن و مسکو هدف مشترکی برای فرسایش نفوذ جهانی واشنگتن و شبکه‌های اتحاد آن دارند، این دو کشور چشم‌اندازهای استراتژیک اساسا متفاوتی دارند. چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و بزرگ‌ترین کشور تجاری، سهم بسیار بیشتری از روسیه در ثبات منطقه‌ای و جهانی دارد. چین در نهایت از درگیری‌های طولانی‌مدت در اروپا یا خاورمیانه سودی نمی‌برد، حتی اگر پکن تمایل داشته باشد این درگیری‌ها را مشکلات بزرگ‌تری برای ایالات متحده نسبت به خود بداند. درحالی‌که برخی از استراتژیست‌های چینی معتقدند ایالات متحده در اروپا و خاورمیانه گرفتار شده است، توجه را از چین منحرف می‌کند. از سوی دیگر، مسکو هیچ علاقه‌ای به انیاف نقش شریک کوچک پکن ندارد و به دنبال گسترش آزادی مانور استراتژیک خود است، همان‌طور که نزدیکی آن به ایران، کره شمالی و هند و دیگر کشورها مشهود است. هر دو پایتخت از کشیده‌شدن به فرایندی که می‌تواند تصمیم‌گیری مستقل آنها را تهدید کند یا آنها را در جنگی گرفتار کند که هیچ علاقه‌ای به آن ندارند، بیم دارند. درواقع، چنین ترس‌هایی در شکاف چین و شوروی در طول جنگ سرد نقش داشت. نکته اینجااست که وضعیت تنش جزیره تایوان و شبه‌سازای‌های جنگ در حال ایجاد فرهم‌ای متفاوتی در ذهنیت پکن است. اتحاد نظامی رو به رشد چین و روسیه، چالشی برای منافع ایالات متحده در منطقه هند و اقیانوس آرام است. تعاملات نظامی چین و روسیه، از جمله رزمایش‌های مشترک، طی دهه‌ها افزایش یافته است. در ماه‌های اخیر، دو کشور رزمایش‌های دریایی با گلوله‌های جنگی در دریای چین جنوبی و گشت‌های مشترک بمب‌افکن‌های دوربرد در نزدیکی آلاسکا برگزار کرده‌اند. درحالی‌که همکاری و ادغام بین ارتش آزادی‌بخش خلق و نیروهای مسلح روسیه هنوز محدود است، پتانسیل در‌خور توجهی برای ادغام عمیق‌تر وجود دارد. این تحولات، برنامه‌ریزی استراتژیک را برای ایالات متحده، متحدان و شرکای آن پیچیده می‌کند؛ زیرا جلوگیری از عملیات نظامی هماهنگ با مشترک چین و روسیه بره‌زینه و پیچیده خواهد بود. علاوه‌براین همکاری‌های فناوری چین وروسیه در حوزه نظامی- از جمله خرید جت‌های جنگنده پیشرفته روسی، فناوری‌های زیردریایی و سیستم‌های دفاع هوایی از سویی چین، خرید نیمه‌هادی‌های چینی از سویی روسیه که نیروی محرکه پهپادها و تانک‌های نظامی را تأمین می‌کنند و همکاری‌های تحقیقاتی در هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و فناوری فضایی- نگرانی‌های امنیتی درخور توجهی را برای ایالات متحده و شرکای آن ایجاد می‌کند.

چالش ترامپ در شرق آسیا

اندیشکده بروکینگز می‌نویسد: همسویی فزاینده بین جمهوری خلق چین و فدراسیون روسیه پیامدهای در‌خور توجهی برای منافع حیاتی ایالات متحده و منافع متحدان و شرکای ایالات متحده دارد. با توجه به بازسازی‌های مشترک از یک‌پرده نظم بین‌المللی و نگرانی‌های متقابل درباره تهدیدات خارجی ادراک‌شده، عمدا از سویی ایالات متحده، مشارکت چین و روسیه در طول دهه گذشته در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک تعمیق یافته است. همسویی استراتژیک پکن و مسکو، آزمون مهمی برای آمریکا و مشخصا ترامپ است. ائتلاف ساختارشکن چین و روسیه در حال تضعیف پایه‌های هم‌زمانی آمریکا در عرصه جهانی و عناصر بنیادین نظم بین‌المللی است. پکن و مسکو در حال انتشار روایت‌هایی از افول نهایی ایالات متحده در سراسر کشورهای جنوب جهان و توسعه زنجیره‌های تأمین و مؤسسات مالی جایگزین برای مصون‌ماندن از تحریم‌های ایالات متحده هستند. این دو کشور مصمم هستند به آنچه نظم بین‌المللی تحت سلطه ایالات متحده می‌نامند، پایان دهند.

زلزله سیاسی در انتظار مذاکرات هسته‌ای؟

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ در پی جنگ ۱۲روزه و تحولات خاورمیانه، احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) به یکی از مسائل کلیدی تبدیل شده است. اخیرا خبری از سوی العربیه مبنی بر قصد این سه کشور برای ارسال نامه به شورای امنیت برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه مطرح شد که تکذیب شد، اما همچنان نگرانی از این اقدام پابرجاست. فعال‌سازی مکانیسم ماشه که منجر به بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران می‌شود، می‌تواند بسان زلزله‌ای سیاسی، مذاکرات احتمالی تهران و واشنگتن را مختل کند. در واکنش به این خبرسازی‌ها، کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزارت خارجه، عنوان کرد: «اطلاع رسمی در مورد فعال‌شدن مکانیسم ماشه دریافت نکرده‌ایم». لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت‌ژورنال نیز اظهارات غریب‌آبادی را تأیید کرد و خبر داد کشورهای اروپایی فعلا برنامه‌ای برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه ندارند. گفتنی است مکانیسم ماشه، براساس قطع‌نامه ۲۲۳۱، تا اکتبر ۲۰۲۵ فرصت اجرا دارد و در صورت فعال‌شدن، مذاکرات دیپلماتیک را با چالشی جدی مواجه خواهد کرد. بااین‌حال، شواهد نشان می‌دهد ایران و آمریکا، با آگاهی از این تهدید، به دنبال ازسرگیری مذاکرات هستند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، بسر مذاکرات مستقیم با آمریکا تأکید کرده و نقش اروپا را کمرنگ دانسته است. این رویکرد می‌تواند ندهنده استراتژی تهران برای مدیریت فشارهای اروپا از طریق اهرم واشنگتن باشد. تروئیکای اروپایی که از انفعال در مذاکرات و فشارهای آمریکا ناراضی است، ممکن است با فعال‌سازی مکانیسم ماشه به دنبال بازتعریف نقش خود باشد؛ اما این اقدام، همان‌طور که مارک فینو، سخنگوی سابق وزارت خارجه فرانسه هشدار داده، می‌تواند شانس توافق با تهران را از بین ببرد و روابط تجاری اروپا با ایران را نابود کند. از سوی دیگر، تهران تهدید کرده که در صورت اجرای ماشه، از NPT خارج خواهد شد؛ امری که تنش‌ها را به نقطه بی‌سابقه‌ای خواهد رساند. بنابراین، تهران و واشنگتن احتمالا با علم به پروسه ۳۰روزه (از زمان ارجاع نامه به شورای امنیت) برای بازگشت تحریم‌ها سازمان ملل، به دنبال توافقی موثق هستند تا از طریق دیپلماسی، مانع از اقدام اروپا شوند و مسیر مذاکرات را حفظ کنند. البته در متنِ برنامه یک پروسه حقوقی ۶۰روزه در سه مرحله ترسیم شده است که مرحله اول و دوم آن یک فرایند حقوقی ۳۰روزه (به انضمام پنج روز برای تلاش نهایی) را ذیل طرح شلیک در کمیسیون مشترک برجام و ارجاع اختلاف‌ها به هیئت بالاتر، مشتمل بر هیئت وزرای طرف‌های برجامی توصیه می‌کند؛ اما چون آلمان، فرانسه و انگلستان وارد مرحله سوم، یعنی ارجاع اختلاف‌ها به شورای امنیت شده‌اند، پس از ارجاع رسمی موضوع به این شورا (امنیت)، در یک بازه ۳۰روزه اگر قطع‌نامه جدیدی برای تمدید تعلیق تحریم‌ها تصویب شود (یا به واسطه وتوی اعضای دائم متوقف شود)، به طور خودکار تحریم‌های پیشین علیه ایران بازمی‌گردند. اینکه آیا مکانیسم ماشه در نهایت فعال خواهد شد و در صورت اجرا، چه آینده‌ای در انتظار دیپلماسی هسته‌ای ایران خواهد بود، محور گفت‌وگویی با محمد ایرانی، تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه و جهان عرب است. او که سابقه سفرات در کشورهای کویت، لبنان و اردن را در کارنامه دیپلماتیک خود دارد، درادامه این گفت‌وگفت به بررسی نقش دیپلماسی منطقه‌ای، به‌ویژه تلاش‌های عربستان سعودی، قطر و عمان

در آستانه دور جدید مذاکرات احتمالی ایران و ایالات متحده می‌پردازد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

● ● ●

❧ **جانب ایرانی،** قرار بود محور اصلی گفت‌وگو با حضرت‌عالی واکاوی و تحلیل فضای منطقه خاورمیانه پس از جنگ ۱۲روزه باشد، اما به دلیل برخی خبرهای ضدونقیض درباره احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی، به نظر منطقی‌تر است گفت‌وگفت با شما از زاویه همین افق باشد. العربیه در خبری از زبان فردریش مرنس، صدراعظم آلمان، مدعی شده بود برلین، پاریس و لندن به دنبال ارسال نامه به شورای امنیت برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه هستند که البته این خبر تکذیب شد. بااین‌حال هنوز بیم انجام آن می‌رود. بنابراین باید پرسید که چنین اقدامی در صورت وقوع به‌مثابه یک زلزله سیاسی عمل خواهد کرد که باعث تحت‌الشعاع قرارگرفتن همه تحولات و تحکرات دیپلماتیک از جمله دور جدید احتمالی مذاکرات بین تهران و واشنگتن خواهد شد یا آنکه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا با علم و آگاهی به اقدام آلمان، فرانسه و انگلستان، در ارسال نامه به شورای امنیت، مذاکرات جدید را کلید زده‌اند؟

در این باره یک فضای دوگانه تحلیلی بین کارشناسان و ناظران وجود دارد. در این‌که طیفی معتقدند فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها تأثیر چندانی روی مسیر مذاکرات ایران و آمریکا نخواهد داشت و دو طرف منافع خود را در دور جدید مذاکرات پیگیری خواهند کرد. در مقابل طیف عده‌ای از ناظران بر این واقعیت اذعان دارند که قطعاً فعال‌سازی مکانیسم ماشه و سمت‌وسوی مذاکرات پیش‌رو، دو اتفاقی هستند که روی هم‌دیگر تأثیر گذاشته و با هم تأثیر می‌پذیرند. به همین دلیل نمی‌توان منکر تبعات این اقدام آلمان، فرانسه و انگلستان شد. به هر حال در عالم سیاست خارجی و دیپلماسی، همه موضوعات به نحوی درهم‌تنیده هستند و نمی‌توان این واقعیت را هم نادیده گرفت که اکنون همه طرف‌ها غریب یعنی اروپا و آمریکا، در یک جبهه واحد، خواسته‌ها، مطالبات و انتظارات یکسان و همسویی با ایران دارند. پس چه بخواهیم و چه نخواهیم، واقعاً اگر سه کشور اروپایی طی امروز و فردا درخواستی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه از شورای امنیت داشته باشند، تأثیر خود را روی مذاکرات خواهد داشت.

❧ **شدت تأثیر آن چقدر خواهد بود؟**

اینکه تأثیر این اقدام در چه سطحی و با چه شدتی خواهد بود، بستگی به واکنش تهران و نیز عملکرد واشگتن دارد. باید

ببینیم اکنون بین تهران و غرب، سلسله کنش‌ها و واکنش‌هایی شکل خواهد گرفت. **❧** **واقعاً** **جا دارد این پرسش را مطرح کنم که چه شد روابط ایران و اروپا به یکی از تاریک‌ترین و سردترین برهه‌های خود رسید و اساساً چرا آلمان، فرانسه و انگلستان اکنون رادیکال‌تر از آمریکا در قبال ما عمل می‌کنند؟ آیا پاریس، برلین و لندن انتقام جنگ اوکراین را از ما می‌گیرند؟**

واقع امر این است که در طول عمر جمهوری اسلامی ایران، نقطه بحرانی حل‌نشده‌ای در روابط با اروپا نداشتیم و اگر اتفاقی هم رخ داد، به‌سرعت مدیریت شد و روابط دو طرف برگشت. بنابراین در ۴۶ سال، روابط ایران و اروپا بخش مهمی از سیاست خارجی کشور را شکل داده است؛ به‌ویژه در دوره مذاکرات برجامی و پس از آن. در آن برهه اروپایی‌ها، به‌ویژه آلمان، فرانسه و انگلستان، سعی داشتند با میانجیگری و تحرکات دیپلماتیک مانع تشدید بحران شوند. حتی در مقطعی مانند فعال‌سازی مکانیسم ماشه در دولت اول ترامپ، اروپایی‌ها در برابر کاخ سفید ایستادند و این اتفاق رخ نداد. باید گفت در آن برهه، اروپایی‌ها واقعاً تلاش کردند حمایت سیاسی و دیپلماتیک خود را از برجام و توافق هسته‌ای نشان دهند؛ هرچند در عمل نتوانستند تعهدات خود برای رفع تحریم‌ها پس از خروج آمریکا از برجام را عملیاتی کنند، اما حداقل، اروپا در مقابل تهران قرار نداشت.

اما به قول شما چه شد که اروپا به این نقطه از تخصص و تقابل با جمهوری اسلامی ایران رسید و فارغ از اینکه مذاکرات جدید بین ایران و آمریکا شکل بگیرد یا خیر، چرا اروپا به دنبال فعال‌سازی مکانیسم ماشه است، به نظر من همان‌طور که شما گفتید، ریشه این تخصص به معادلات جنگ اوکراین بازمی‌گردد. باید اذعان کرد که این جنگ، امنیت و تمامیت اتحادیه اروپا و قاره سبز را درگیر کرد. برخی ادعاها درباره مناسبات بین تهران و مسکو، نهن‌تها روابط حسنه ایران و اروپا را خراب و مخدوش کرد، بلکه آلمان، فرانسه و انگلستان را مستقیماً در برابر ما قرار داد. آن‌گونه که به‌درستی اشاره کردید، به نظر من اروپایی‌ها به سمت انتقام‌گیری از تهران رفتند. در سال ۲۰۲۴، دو قطع‌نامه در شورای حکام علیه پرونده هسته‌ای ایران تصویب شد و در سال ۲۰۲۵ نیز این سیاست مخرب تا جایی پیش رفت که با نقش‌آفرینی آلمان، فرانسه و انگلستان در تصویب قطع‌نامه ضدایرانی، فضا برای حمله و تهاجم اسرائیل به ایران فراهم شد. درحالی‌که پرونده ایران یک پرونده فنی و کارشناسی است، با فشار و اعمال‌نظر اروپایی‌ها، علناً رویکردی امنیتی و سیاسی پیدا کرد. اکنون نیز به نظر من، به‌رغم آنکه دونالد ترامپ به نحوی آلمان، فرانسه و انگلستان را از چرخه مذاکرات هسته‌ای با ایران



کنار گذاشته و این موضوع به‌هیچ‌وجه خشوندی و رضایت اروپایی‌ها را به دنبال نداشته است، اما چون استقلال سیاسی لازم را در برابر آمریکا ندارند، سعی می‌کنند در قالب همان انتقام‌گیری سیاسی از تهران و با تقسیم وظایفی که با آمریکایی‌ها دارند، با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، فشار را تا جایی بالا ببرند که ایران متقاعد به توقف چرخه سوخت هسته‌ای و پذیرش غنی‌سازی صفر درصد شود. این یک بازی پیچیده است. بنابراین اکنون وارد یک بازی پیچیده با اروپایی‌ها شده‌ایم که ریسک و تبعات آن برای ما بسیار زیاد است و در عین حال، فرصت کمی برای مدیریت این فضا وجود دارد.

❧ **اگر یک جوالدوز به اروپا و غرب می‌زنیم، یک سوزن هم به خودمان برنیم و آسیب‌شناسی از رفتار و سیاست ایران در مقابل آلمان، فرانسه و انگلستان داشته باشیم، فارغ از آنچه درباره جنگ اوکراین و معادلات آن روی داد که موجب تحریب روابط ایران و اروپا شد، واقعاً چه موضوعی‌ها، تصمیمات و اقداماتی از جانب ایران، ما را به این نقطه بی‌سابقه از تخصص رساند؟**

واقع مطلب این است که باید اعتراف کرد برخی موضوع‌گیری‌های نسنجیده، به‌ویژه بعد از آغاز جنگ اوکراین، باعث حساسیت در اروپایی‌ها شد؛ چون جنگ اوکراین به امنیت و تمامیت اروپا ارتباط مستقیم داشت و آنها روی این موضوع به‌شدت حساس بودند. لذا هرگونه موضع‌گیری برخی مقامات برای حمایت از روسیه، تبعات مخرب خود را روی تحریب روابط با اروپا نشان داد. ضمن آنکه مسائلی مانند طعنه‌های پاییز و زمستان سرد اروپا، تحقیر اروپایی‌ها در مقوله تأمین انرژی و سایر قضایا نیز تخصص را بیشتر کرد که به‌جای نفع، به ضرر ما تمام شد و ما را به این نقطه از تقابل رساند. تا پیش از این، آلمان واقعاً روابط بسیار خوبی با ایران داشت و فرانسوی‌ها هم همین‌طور؛ اما اکنون می‌بینیم که برلین و پاریس شدیدترین موضع‌گیری‌های ضدایرانی را دارند. خاطراتان هست در مسئله مذاکرات برجامی و پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، اماونول مکرون چه تلاش‌هایی کرد که این توافق حفظ شود؟ اما اکنون دیگر خبری از آن سیاست تعامل‌گرا و میانجیگرانه نیست. در همین برهه اخیر هم گویا قرار بود اماونول مکرون سفری به تهران داشته باشد و تلاش‌های خود را برای تعامل با تهران انجام دهد، اما با این سفر مخالفت شد. ضمن آنکه موضوع دستگیری برخی دوتابعیتی‌ها با اتباع اروپایی و فرانسوی هم موضوع را پیچیده‌تر کرد و اکنون آلمان و فرانسه به جرگه تدروها علیه تهران پیوسته‌اند.

واکاوی معادلات منطقه پس از جنگ ۱۲روزه در گفت‌وگو با محمد ایرانی

زلزله سیاسی در انتظار مذاکرات هسته‌ای؟

❧ **به آسیب‌شناسی مطرح‌شده، دیپلماسی هسته‌ای ایران در چه نقطه‌ای قرار دارد؟**

متأسفانه نگاه خوش‌بینانه‌ای به وضعیت کنونی دیپلماسی هسته‌ای، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲روزه، ندارم. باید به هر طریق ممکن این فضا را تغییر دهیم. نمی‌توان هم‌زمان در چهار جبهه علیه ایالات متحده، سه کشور اروپایی عضو برجام، اسرائیل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص رافائل گروسی، مدیر کل این نهاد، وارد نبرد و تقابل دیپلماتیک شد؛ آن هم با ابزارهای محدودی که در اختیار داریم و پس از جنگ اخیر محدودتر هم شده‌اند. ضمن اینکه موضوعاتی مانند تداوم تهدیدهای اسرائیلی‌ها و احتمال تأثیرپذیری از حملات و تجاوزات این رژیم نیز مطرح است. تقریباً می‌توانم با قاطعیت بگویم که در هیچ زمان و برهه‌ای، هیچ کشوری سابقه نداشته که به‌تنهایی در چند جبهه در برابر اروپا، آمریکا، اسرائیل و آژانس مقابله کند.

❧ **با همه نکاتی که مطرح شده، به پرسش نخست بازمی‌گردم که هنوز پاسخ آن را از جناب‌عالی دریافت نکرده‌ام. اگر نامه‌ای از سوی تروئیکای اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه به شورای امنیت داده شود، آیا می‌تواند مانند زلزله‌ای سیاسی همه روندها، به‌ویژه مذاکرات احتمالی پیش‌رو بین آمریکا و ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد، یا تهران و واشگتن با آگاهی از احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه در بازه پروسه ۳۰روزه (از زمان ارجاع نامه به شورای امنیت)، برای بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های سازمان ملل، به دنبال مذاکره و توافق جدید خواهند بود و در این صورت، با اهرم ایالات متحده می‌توان آلمان، فرانسه و انگلستان را مدیریت کرد؟**

این پرسش کلیدی شما به گفته قبلی‌ام بازمی‌گردد. اکنون ما شاهد بازی پیچیده‌ای بین آلمان، فرانسه و انگلستان با آمریکایی‌ها هستیم. تروئیکای اروپایی با ارسال نامه برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، سعی دارند ایران را به توقف چرخه غنی‌سازی و پذیرش غنی‌سازی صفر درصد وادار کنند. پس هر ریسک این فضا برای ما بسیار بالاست و هم فرصت ما بسیار محدود است. بنابراین بدون تعارف، چندان به آینده خوش بین نیستم.

❧ **من همواره بر سناریوهایی بدبینانه تمرکز بیشتری دارم، اما چرا جناب‌عالی نگاه خوش‌بینانه‌ای ندارید؟**

چون همان‌طورکه گفتم، ایران اکنون پس از جنگ اخیر، توان و تمرکز لازم برای تقابل در چند جبهه برابر اسرائیلی‌ها، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تروئیکای اروپایی و آمریکا را ندارد. تنها اثری که در اختیار ایران است، تداوم مذاکرات و آغاز گفت‌وگوهای جدید با آمریکاست تا از طریق واشنگتن بتوان برلین، پاریس و لندن را برای جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه مدیریت کرد. باید در اسرع وقت شاهد استمرار گفت‌وگوها با آمریکا باشیم. ضمن اینکه، همان‌طورکه اشاره کردید، در این بازه ۶۰روزه برای بازگشت قطع‌نامه‌ها، اروپایی‌ها منتظر نتیجه نهایی مذاکرات تهران و واشنگتن خواهند بود. اگرچه احتمال تأثیرگذاری این راهکار ضعیف است و باید به آن اندیشید. با و همه ابزارها استفاده کرد؛ بنابراین به نظر، پرسش مهم‌تر این است که چگونه می‌توانیم از این بی‌نست و وضعیت بحرانی خارج شویم؟ آیا قرار است از طریق دیپلماسی، گفت‌وگو، مذاکره و چانه‌زنی به این هدف دست یابیم، یا همچنان تقابل با اسرائیل و تأکید بر موضوعات نظامی و جنگ در

دستور کار است و نهایتاً رای به جنگ است؟

❧ **اگر مناروی جنگ باشد چطور؟**

در شرایط کنونی، تداوم جنگ به‌هیچ‌وجه به مصلحت کشور و مردم ایران نیست. تداوم این وضعیت با منافع و امنیت ملی ما سازگاری ندارد. راه‌حل عبور از این بحران، فقط و فقط دیپلماسی و ادامه گفت‌وگوهای هسته‌ای است. طبعاً اگر مذاکرات هسته‌ای آغاز شود، می‌توان دیپلماسی موازی را برای کاهش تنش با اروپایی‌ها اجرا کرد.

❧ **نکته کلیدی در لایه‌لای تحلیل شما بود مبنی بر اینکه احتمال دادید مجددا شاهد جنگ و حمله اسرائیل باشیم. آیا می‌بینید که اسرائیل در این مسیر گام بردارد؟**

به نظر من پاسخ این پرسش به نوع واکنش و تصمیم‌های ما بستگی دارد و اینکه چه رویکردی اتخاذ کنیم. بدون شک، جمهوری اسلامی ایران در میانه مذاکرات با آمریکا، مورد تجاوز و ظالمانه و جانبدارانه صهیونیست‌ها قرار گرفت که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان، دانشمندان و هم‌میهنانش شد. با وجود این تجربه تلخ، اکنون فضایی برای ایران شکل گرفته تا در مذاکرات پیش‌رو با رویکرد مطالبه‌گری، استمرار گفت‌وگوها در دنبال کند و از اهرم مذاکره، دیپلماسی و گفت‌وگو بهره ببرد. روند تحولات میدانی تا حد زیادی به موفقیت مذاکرات، دستور کار آن و جدیت طرفین برای دستیابی به توافق و مدیریت بحران بستگی دارد. من معتقدم در شرایط کنونی، تمام تلاش و تمرکز مسئولان، به‌ویژه دستگاه سیاست خارجی، باید معطوف به جلوگیری از جنگ دوباره و تجاوز مجدد صهیونیست‌ها باشد. تأکید می‌کنم که تلاش حداکثری باید در همین راستا باشد تا از جنگ دوباره اجتناب شود. به‌هیچ‌وجه به مصلحت کشور نیست که جنگ جدیدی آغاز شود و وارد تنش فرسایشی شویم.

❧ **واقعاً محور و هدف اصلی این حجم از فشارهای چندلایه در چند جبهه از سوی اسرائیل، آمریکا، تروئیکای اروپایی و آژانس علیه تهران چیست؟ موضوع تغییر نظام است، جنگ داخلی است یا…**

ببینیم، مسئله اصلی کاهش قدرت ایران است. آمریکا، اروپا و اسرائیل به دنبال آن هستند که هریک با سناریوی مد نظرشان و در راستای اهداف و منافع خود، قدرت ایران را مهار کنند تا بازنگری توانمند در منطقه ظهور نکنند. من معتقدم حتی موضوع تغییر نظام و مهم‌تر از آن، تجزیه ایران نیز می‌تواند در دستور کار باشد. ما در برهه‌ای حساس قرار داریم و باید با حداکثر هوشمندی، انعطاف و دقت‌نظر عمل کنیم.

گزارش

پژشکیان در پیامی به ایرانیان مقیم خارج از کشور: **با جدیت و بسیج همه ظرفیت‌های سیاسی، مسیر دیپلماسی را دنبال می‌کنیم**

مسعود پرتشکیان در پیامی به ایرانیان مقیم خارج از کشور با بیان اینکه دولت همدلی ایجادشده در میان مردم و مسئولان در جریان جنگ ۱۲روزه را یک فرصت برای خدمت‌رسانی بیشتر به ملت می‌داند، متن پیام رئیس‌جمهور به شرح زیر است:ایرانیان عزیز خارج از کشور؛ در ایامی که کشور ما در معرض آزمونِ بزرگ قرار گرفت، مردم به‌عنوان صاحبان اصلی این کشور، نشان دادند که قلب تپنده این سرزمین‌اند. این ایستادگی و حمایت و پشتیبانی، امروز سزاوار دیده‌شدن، شنیده‌شدن و سیاست‌گذاری است و قطعاً مسئولیت کارگزاران را بیش‌ازپیش سنگین‌تر کرده و انتظارات بختی را ایجاد کرده است. در این حوادث، کرچه فشارهای روانی و مشکلات زیادی بر ملت ما تحمیل شد، اما شاهد شکل‌گیری یکی از کم‌نظیرترین جلوه‌های مشارکت عمومی، وفاق و انسجام اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بودیم و ایرانیان داخل و خارج، متعهد و غیرمنتقد مانند پدری واحد در مقابل دشمن متجاوز ایستادگی و اراده خود را بر دشمن تحمیل کردند. دراین‌میان آرامش، خردورزی و صلابت رهبر انقلاب از روز نخست جنگ تحمیلی برای شکل‌گیری یک بسیج ملی در مبارزه با متجاوزان، سرمایه بالنده و قوام‌بخش دیگری بود که وحدت نظام اسلامی را به همه ما یادآور شد. اما امروز فصل جدیدی آغاز شده است، فصلی از امیدآفرینی و حرکت به سوی ایرانی امن‌تر، آراتر و مقتدرتر. این راه، تنها با همراهی و همدلی مردم عزیز، با حفظ وفای ملی و با تکیه بر نیروی جوانی و اندیشه‌های نو، ممکن خواهد بود. برای گشودن افق‌های جدید، باید به گذشته با نگاهی منتقدانه بنگریم. آنچه ما را به سوی آینده‌ای بهتر می‌برد، بازسازی امید، آمدگی برای یادگیری، تغییر و ساختن مسیری نو با وفاق، همدلی و عقلانیت است.امنیت ملی ما، هم با اقتدار نظامی و هم با پیوند دل‌ها و وحدت اجتماعی تضمین می‌شود. اکنون زمان آن است که به افق‌گشایی و امید به آینده‌ای روشن با پشتوانه سرمایه اجتماعی عظیم کشور، به سوی ساختن ایرانی شکوفاتر گام برداریم. ما هیچ‌گاه به دنبال جنگ نبوده و همواره به دنبال نقش‌آفرینی مؤثر در صلح پایدار جهانی بوده‌ایم. دشمنان ایران بداندند ملت ما اگرچه صلح‌جوست، اما به‌هیچ‌وجه تسلیم‌پذیر نیست. ایران کشوری است که بر پایه ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و دینی خود به دنبال عدالت و کرامت انسانی برای همه ملت‌هاست. همان‌گونه‌که می‌دانید، دشمن صهیونی در شرایطی به ما حمله کرد که با وجود بی‌اعتمادی به آمریکایی‌ها، برای رفع هرگونه سوءتفاهم در افکار عمومی و اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای کشور، در حال مذاکره با آن کشور بودیم و پس از انجام پنج دور مذاکره در شرایطی که برای دور شوم گفت‌وگو آماده می‌شدیم، رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا به طور ناچوازمردانه‌ای کشور ما را مورد تهاجم قرار داد و تعدادی از سرداران نظامی، دانشمندان هسته‌ای و مردم عادی ازجمله زنان و کودکان بی‌گناه ما را به شهادت رساند. بارها اعلام کرده‌ایم که دکتربن ما برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز است، تجربه نشان داده که هرگاه ایران بخواهد در مسیر ثبات و صلح حرکت کند، رژیم صهیونیستی مداخله و تخریب می‌کند، طبق تمام اصول و قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد، آنچه ما در طول ۱۲ روز جنگ تحمیلی صهیونیست‌ها انجام دادیم، دفاع مشروع در برابر دشمن متجاوز بود که با وجود به شهادت رساندن عده‌ای از فرماندهان نظامی در حمله اولیه، ما در درایت و هدایت رهبری انقلاب، انتصاب سریع جانشینان و بازسازی سازمان رزم نیروهای مسلح در مدتی کوتاه، نیروهای مسلح ما توانستند با اعتمادبه‌نفس بیشتر ضربات سخت و ویران‌کننده‌ای را به دشمن متجاوز وارد سازند. بااین‌همه مسیر آینده برای ما روشن است و دولت برای افق‌گشایی و گشودن درهای دیپلماسی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. ما همچنان معتقدیم که پنجره دیپلماسی باز است و این مسیر صلح‌آمیز را با جدیت و بسیج همه ظرفیت‌های سیاسی دنبال می‌کنیم. ما طرفدار دیپلماسی و تعامل سازنده و مخالف جنجیم و برای دورکردن سایه جنگ از کشور، ضمن دفاع از حقوق طبیعی ملت ایران، از همه سرمایه‌های سیاسی و دیپلماسی بهره خواهیم گرفت.